



Tools of Participatory Governance from the Point View of the Holy Quran


Fatemeh Rahmani 

Assistant Professor, Department of Management, Institute for Planning studies, Tehran, I.R.Iran
Email: fatemeh.rahmani213@gmail.com



Citation

Rahmani, F. (2024). Tools of Participatory Governance from the Point View of the Holy Quran. *Aeine Hokmrani*, 2(3), 287-322

 (DOI): 10.22034/ah.2025.719684

Type of Article: Reserch Article

Received: 2024 May 26

Revised: 2024 August 31

Accepted: 2024 December 20

Published Online: 2025 January 06

Abstract

Participatory governance is a special model of governance that is based on public participation and refers to cooperation between government actors and members of civil society in formulating and sometimes implementing public policy. This governance model uses various tools to strengthen public participation that must be appropriate to the culture, environment, and specific conditions of each state and nation. Establishing a package of tools for participatory governance from the point of view of the Holy Quran, which is appropriate to the culture and environment of our country is the most important issue of this research. Therefore, in this research, we first examined the concept of people and government from the point of view of the Quran, and in the next step, we established a package of tools for participatory governance from the point of view of the Quran. The research method is content analysis, and after selecting verses in connection with the research problem, we refer to the interpretation of the Al-Mizan for a better understanding of them and extracted related themes.

In the area of interaction between people and government, the Quran views people as servants of God and shows the role of the government as an active and constant guide of people towards excellence. In this established system of the Quran, participatory governance tools are shown with two educational and motivational approaches, which will be discussed in detail in the text of the article.

Keywords

Participatory Governance, Tools of Participatory Governance, Public Participation, Holy Quran, People, Government





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم^۱

فاطمه رحمانی ^{ID}

استادیار گروه مدیریت موسسه عالی آموزش و پژوهش برنامه ریزی، تهران، جمهوری اسلامی ایران
Email: fatemeh.rahmani213@gmail.com



استناد به این مقاله:

رحمانی، فاطمه. (۱۴۰۳). ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن. نشریه آیین حکمرانی، ۲(۳)، ۲۸۷-۳۲۲

doi (DOI): 10.22034/ah.2025.719684

نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

چکیده

حکمرانی مشارکتی، الگوی ویژه‌ای از حکمرانی است که بر مشارکت مردم استوار بوده و به همکاری بین بازیگران دولتی و اعضای جامعه مدنی در تدوین و گاه اجرای سیاست عمومی اشاره دارد. این سبک از حکمرانی، ابزارهای گوناگونی را در راستای تقویت مشارکت عمومی به کار می‌برد که باید فراخور با فرهنگ، محیط و شرایط ویژه هر دولت و ملت باشد. طراحی بسته ابزارهای حکمرانی مشارکتی از نگاه قرآن کریم که فراخور فرهنگ و محیط کشور ما مهم‌ترین مسئله این پژوهش است؛ از این رو در این پژوهش نخست به بررسی مفهوم مردم و حکومت از دیدگاه قرآن پرداخته و در گام بعد، به طراحی بسته ابزارهای حکمرانی مشارکتی از نگاه قرآنی پرداختیم. روش پژوهش، تحلیل مضمون بوده و پس از انتخاب آیات در پیوند با مسئله پژوهش، برای درک بهتر آنها به تفسیر شریف‌المیزان رجوع کرده و مضامین مرتبط، استخراج شد. قرآن در حوزه تعامل مردم و حکومت، به مردم به‌عنوان بندگان خدا نگریسته و نقش حکومت را هم هدایت‌گر فعال و همیشگی مردم به‌سمت تعالی نشان داده است. در این منظومه طراحی شده قرآن، ابزارهای حکمرانی مشارکتی با دو رویکرد آموزشی و انگیزشی نشان داده شده است که در متن مقاله، به تفصیل درباره آنها بحث خواهد شد.

واژگان کلیدی

حکمرانی مشارکتی، ابزارهای حکمرانی مشارکتی، مشارکت عمومی، قرآن کریم، مردم، حکومت



۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری اینجانب با عنوان: «دلالت‌های قرآنی تعامل مردم و حکومت: مطالعه‌ای بر مبنای تفسیرالمیزان»، با راهنمایی دکتر میثم لطیفی است.

مقدمه

تعامل مردم و حکومت، مهم‌ترین عنصر هر نظام حکمرانی بوده و بر زیاد شدن اثربخشی تصمیم‌ها و سیاست‌های دولتی افزوده و سرمایه اجتماعی حکومت‌ها را تقویت می‌کند؛ از این رو در ادبیات مدیریت دولتی بر اساس گونه‌نگاهی که به مردم و حکومت می‌شود، ابزارهای گوناگونی در راستای تقویت مشارکت عمومی و پیاده‌سازی الگوی حکمرانی مشارکتی پی‌ریزی شده است؛ برای نمونه، ادبیات مدیریت دولتی سنتی (Traditional)، مردم را ارباب رجوع (Client) و نظام اداری را پاروزن (Rowing/ همه‌کاره) دانسته، ادبیات مدیریت دولتی نوین (New public management)، مردم را مشتری (Customer) و نظام اداری را راهبر (Streeting) می‌داند و ادبیات خدمات دولتی نوین (New public service) هم مردم را شهروند (Citizen) و نظام اداری را خدمت‌گذار معرفی می‌کند.

همان‌طور که بیان شد، هر نهضت مدیریت دولتی فراخور با مبانی ویژه خود، به تعریف پیوند مردم و حکومت پرداخته است و از این رو هر نظام حکمرانی هم فراخور با مبانی، باورها و فرهنگ ویژه خود، پیوند مردم و حکومت را سامان‌دهی و ابزارهای حکمرانی مشارکتی خود را پی‌ریزی می‌کند. همان‌گونه که شفریتز هم بیان می‌کند هر فعالیت بر اساس فلسفه‌ای و دکترینی ویژه انجام می‌شود که از ایدئولوژی خاص سرچشمه می‌گیرد. ابزارهای حکمرانی مشارکتی هم در هر دولت و ملتی، بر اساس فلسفه و دکترین ویژه خود سامان‌دهی شده است و این فلسفه ویژه هر جنبش است که بیان می‌کند چگونه باید با مردم تعامل برقرار کرد (Shafritz & borick, 2008, p 23).

پژوهشگران حوزه حکمرانی، برای گسترش و توسعه مشارکت‌های مردمی، سازوکارها و ابزارهای گوناگونی ارائه داده‌اند، تا امر مشارکت مردم در کشورداری، آشکار و واقعی باشد و تنها نمایشی نباشد. مشارکت مردم در امور عمومی و مردمی‌سازی نظام حکمرانی، بایستی در تمامی پهنه‌های حکمرانی مدنظر باشد و همین اصل سبب شده است که ابزارهای گوناگونی در بخش‌های مختلف ارائه و تشریح شود. ابزارهای حکمرانی مشارکتی، بخش گسترده‌ای از ابزارها را در برمی‌گیرند که از آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به شهروندان تا

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

واگذاری مسئولیت و اجرای آن به شهروندان را شامل می‌شود. حکمرانی مشارکتی، به همکاری بین بازیگران دولتی و اعضای جامعه مدنی در تدوین و گاه اجرای سیاست عمومی گفته می‌شود. در واقع گرانیگاه حکمرانی مشارکتی، مشارکت مردم و نهادهای مردمی با دولت است؛ چراکه این مشارکت سبب ایجاد پیوند ژرف و بنیادین بین مردم و حکومت شده و حکومت را از خواسته‌ها و نیازهای مردم آگاه کرده، مشروعیت آن را افزایش داده و سبب انسجام اجتماعی بیشتر می‌شود (Anderson, 2011, p340/ Kostakppoulou, 2008/ p56). به بیان دیگر، مشارکت عمومی سبب استفاده از خرد جمعی (Collectively intelligent) برای حل مشکلات شده و فرایند حل مسئله (Problem-solving process) را بهبود می‌بخشد (Jeppesen & Lahjani, 2010, p1021).

این پژوهش با پرسش اصلی پی‌ریزی بسته ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن آغاز شده است؛ از این رو آن چنانکه بیان شد برای پی‌ریزی ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن در گام نخست باید به بررسی نگاه قرآن به مردم و حکومت پرداخته و در گام بعد، بسته ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن پی‌ریزی شود. در راستای اهمیت و منزلت قرآن باید گفت که دین اسلام به‌عنوان خاتم ادیان الهی، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین بوده و قرآن هم کتابی بی‌مانند است. «و ما این کتاب (قرآن) را به‌درستی به‌سوی تو فرود فرستادیم؛ در حالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود و گواه درستی بر (حقانیت همه) آنان است» (مائده: ۴۸). درباره برتری و جامعیت قرآن، امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید: «خداوند، بیان هر چیزی را در قرآن فرود فرستاده است؛ به‌گونه‌ای که به خدا قسم، هیچ‌یک از نیازمندی‌های بشر را فروگذار نکرده است» (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

۱. ادبیات نظری

۱-۱. نگاه سه نهضت مدیریت دولتی به مفهوم مردم و حکومت

جنبش مدیریت دولتی سنتی، مردم را به‌عنوان ارباب رجوع، و دولت را به‌عنوان همه‌کاره

نشان داده و در تلاش است تا به وسیله مبانی قانونی و به صورت محدود، مردم را در امور عمومی دخالت دهد. این جنبش، قانون را به عنوان انگیزه‌ای مناسب برای مشارکت محدود مردم در نظر دارد (Osborne, 2006, p32/ Rosser, 2010, p4).

جنبش مدیریت دولتی نوین، با نگاه مشتری به مردم و راهبر به دولت و با هدف افزون کردن کارایی، ایجاد شده و مانند بخش خصوصی، سود و منفعت شخصی را مبنای مشارکت مردم در امور محدود (در محدوده خرید خدمت مانند مشتری که کالا خرید می‌کند) می‌داند. از نگاه این جنبش، مردم برای افزون تر کردن سود و منفعت شخصی در امور عمومی مربوط به خود، مشارکت می‌کنند (Wiesel et al, 2014, p39).

جنبش خدمات دولتی نوین که مردم را شهروندان و مالکان اصلی حکومت می‌داند، به مشارکت حداکثری مردم در امور باور داشته و معتقد بود با افزایش بلوغ سیاسی شهروندان، می‌توان انگیزه لازم برای مشارکت را در آنان ایجاد کرد (Denhart, 2010, p8).

جدول ۲. مبانی نظر نهضت‌های مدیریت دولتی (Denhart & Denhart, 2007)

خدمات دولتی نوین	مدیریت دولتی نوین	اداره امور دولتی سنتی	
نظریه دموکراتیک	نظریه اقتصادی، گفتمانی پیچیده‌تر بر اساس علوم اجتماعی اثبات‌گرا	نظریه سیاسی، تفسیر سیاسی و اجتماعی که به وسیله علوم اجتماعی ساده تکمیل می‌شود.	مبانی معرفت‌شناختی و نظری اولیه
عقلانیت رسمی یا راهبردی، آزمون انواع عقلانیت	عقلانیت فنی و اقتصادی	عقلانیت جامع، انسان اداری	عقلانیت غالب و مدل‌های در پیوند با رفتار انسان
منفعت عمومی، دستاورد گفتمان پیرامون ارزش‌های مشترک است.	منفعت عمومی نمایانگر مجمع منافع فردی است.	منفعت عمومی به‌طور سیاسی تعریف می‌شود و در قالب قانون بیان می‌شود.	مفهوم منفعت عمومی
شهروندان	مشتریان	ارباب‌رجوعان و انتخاب‌کنندگان	مستخدمین دولتی در برابر چه کسانی پاسخگو هستند؟

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

خدمات دولتی نوین	مدیریت دولتی نوین	اداره امور دولتی سنتی	
خدمت کردن - گفت‌وگو بین شهروندان و گروه‌های جامعه، ایجاد ارزش‌های مشترک	پاروژدن (عمل به‌عنوان کاتالیزور برای رهاسازی نیروهای بازار) (هدایت)	قایقرانی (پی‌ریزی و اجرای خط مشی‌هایی که بر یک هدف واحد تمرکز می‌کنند)	نقش دولت
ایجاد ائتلافی از عوامل دولتی، غیرانتفاعی و خصوصی برای تأمین نیازهای موردتوافق	ایجاد سازوکارها و ساختارهای تشویقی برای دستیابی به اهداف خط مشی از راه عوامل خصوصی و غیردولتی	اجرای برنامه‌ها از راه عاملان دولتی موجود	سازوکارهای تحقق اهداف خط مشی
چندوجهی - مستخدمین دولتی باید به ارزش‌ها، هنجارهای سیاسی، استانداردهای حرفه‌ای و منافع شهروندان توجه کنند.	بازار محور - تجمع منافع شخصی از طریق گروه‌های گسترده شهروندان (مشتریان) منجر به نتایج مطلوب خواهد شد.	سلسله‌مراتبی - مجریان به رهبران سیاسی که به‌طور دموکراتیک انتخاب شده‌اند، پاسخ می‌دهند.	برداشت از پاسخ‌گویی
اختیارات محدود و پاسخگو	آزادی عمل زیاد برای تأمین اهداف کارآفرینی	اختیارات محدود	اختیارات اداری
ساختارهای همکاران	سازمان‌های دولتی غیرمتمرکز	سازمان‌های بوروکراتیک	ساختار سازمانی مفروض
خدمات دولتی، تمایل برای کمک به جامعه	روحیه کارآفرینانه، خواست ایدئولوژیکی برای کاهش اندازه دولت	حقوق و مزایا، تأمین خدمات اجتماعی	مبانی انگیزشی فرضی مستخدمین دولتی و مجریان

۱-۲. حکمرانی مشارکتی

حکمرانی مشارکتی (Collaborative Governance) یکی از الگوهای حکمرانی است که بر مشارکت مردمی در اداره کشور و جامعه از راه سازوکارهای گوناگون تأکید می‌کند و هدف آن تعمیق و کیفیت‌بخشی به مشارکت شهروندان در فرایندهای اداره و حکمرانی است (Fisher, 2012, p 3). حکمرانی مشارکتی بر مشارکت ژرف شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری، اداره عمومی، کشورداری و سیاست‌گذاری‌های کلان تمرکز دارد (Isaksen, 2009, p 3).

مشارکت به‌عنوان فرایندی است که به‌وسیله آن، همه ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری، دخالت داده می‌شوند و امور تصمیم‌گیری، کنترل و نظارت، تحت تأثیر حضور آنها است (Sarkar, 2009, p 87). حکمرانی مشارکتی، دربرگیرنده مشارکت دادن شهروندان در فرایند خط مشی‌گذاری از راه گرفتن مشاوره از آنها یا درگیری مستقیم آنها در امور است (Abraham, 2019, p 34). درباره مفهوم مشارکت عمومی و حکمرانی مشارکتی نگاه‌ها، رویکردها و تعریف‌های گوناگونی بیان شده است که هر یک از نظریه‌ها، جنبه‌های ویژه‌ای از مشارکت عمومی و حکمرانی مشارکتی را مدنظر قرار می‌دهند (Speer, 2012, p 32). در تعریفی ساده، می‌توان بیان داشت که حکمرانی مشارکتی بر مشارکت ژرف شهروندان در مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری‌های کلان است و اداره جامعه از رهگذر همکاری مشترک همه ذی‌نفعان حاکمیتی داخلی و خارجی - یعنی دولت، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و گروه‌های داوطلب - محقق می‌شود (Isaksen, 2009, p 7).

ایده مبنایی و جوهری حکمرانی مشارکتی، این است که شهروندان باید در تصمیم‌گیری‌های بخش عمومی نقش رودرو و مؤثری داشته باشند و با مسائل سیاسی و اجتماعی کشورداری درگیر شوند.

در جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که حکمرانی مشارکتی به‌دنبال نقش‌آفرینی مؤثر مردم در حوزه اداره کشور است. در این راستا، می‌بایست هم بر اساس زمینه‌های نهادی، سیاسی و اجتماعی، الزامات و شرایط لازم را برای ایجاد حکمرانی مشارکتی فراهم کرد و هم بایستی ابزارها و سازوکارهای درخور برای مشارکت مردمی فراخور با زیست‌بوم حکمرانی کشور پی‌ریزی کرد و به کار برد.

۱-۳. ابزارهای حکمرانی مشارکتی

شناسایی ابزارهای حکمرانی مشارکتی به‌عنوان یکی از ساده‌ترین کارها به‌منظور ایجاد حکمرانی مشارکتی و گسترش مشارکت مردمی در نظام حکمرانی، کمک می‌کند که

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

مشارکت پویا و واقعی مردم در صورت در دسترس بودن زمینه‌های نهادی، سیاسی، اجتماعی و... فراهم شود. ابزارهای حکمرانی مشارکتی، موارد گوناگونی همچون اطلاع‌رسانی و مشورت دادن به مردم و دریافت مشورت از آنها، شرکت دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری و اطمینان دادن به آنها، به منظور تأثیرگذار بودن دیدگاه‌های آنها و همکاری با مردم در اجرای راهکارها و توانمندسازی مردم برای تفویض اختیار تصمیم‌گیری به آنها را در بر می‌گیرد.

با مرور ادبیات زمینه حکمرانی مشارکتی و منابعی که در زمینه ابزارهای حکمرانی مشارکتی وجود دارد، یکی از منابع مهم و جامعی که وجود دارد، پروژه «Civicus» است.^۱ در این پروژه از راه پیمایش جهانی، شیوه‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی در سراسر جهان شناسایی شد و تلاش شد که طبقه‌بندی جامعی ارائه شود. در این پروژه مشخص شد که گسترش حکومتی شفاف، مسئولیت‌پذیر، پاسخ‌گو و کارآمد در سطح ملی و محلی از راه مشارکت پویای شهروندان امکان‌پذیر است. در پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از پروژه پیش‌گفته و همچنین دیگر منابع علمی، ابزارهای حکمرانی مشارکتی دربرگیرنده ۵۳ ابزار در ۹ جنبه بیان شده است. لازم به ذکر است که طبقه‌بندی ابزارهای حکمرانی مشارکتی بایستی به صورت پی‌درپی به وسیله تعامل با خبرگان و فعالین حوزه مشارکتی به‌روزرسانی شده و اصلاح و ارتقا یابد (عبدالحسین زاده، ۱۴۰۱، ص ۴).

۱. در این پروژه تلاش شده است با شناسایی تجارب و ابزارهای موفق حکمرانی مشارکتی، ابزارهای حکمرانی مشارکتی که در عمل استفاده می‌شود، معرفی شوند.

اطلاعات عمومی	آموزش و مباحثه	صدای شهروندان و ائتلاف‌ها	گفتگوی عمومی	انتخابات	خط‌مشی و برنامه‌ریزی	بودجه و مصارف عمومی	ارزشیابی خدمات عمومی	دیدهبان عمومی
ابزار دسترسی آزاد به اطلاعات	آموزش مدنی	نظرسنجی از افکار عمومی	گفتگوی چند ذی‌نفعی	کمیته‌های آگاه‌بخشی پیش از انتخابات	خط‌مشی‌گذاری مشارکتی	پایش و گزارش‌دهی درآمد عمومی	پیمایش ذی‌نفعان	مشاوران شهروند
ابزار دسترسی‌یاب به پایش اطلاعات	نظرسنجی‌های مشاوره‌ای	همه‌پرسی	گفتگوی پایدار	استقرار پلتفرم (بسترها)	جستجوهای آبی	تحلیل مستقل بودجه	کارت گزارش‌دهی شهروندان	قراردادهای اجتماعی برای پاسخ‌گویی سیاسی
ابزار حمایت از شفافیت	حلقه‌های مطالعاتی	مکالمات عمومی	مکالمات عمومی	مناظره کاندیداها	کمیته‌های مشترک خط‌مشی‌گذاری	اینکوارت بودجه جایگزین	گزارش‌دهی کارت	
ابزار حمایت از شفافیت	اجلاس‌های شهری	تسهیل‌سازی مردم محور	تسهیل‌سازی	پایش انتخابات	تحلیل اثر اجتماعی مشارکت	پیگیری هزینه‌های عمومی	کارت امتیازدهی جوامع	
تسهیل‌اتصالات عمومی	اجلاس‌های قدردانی	ائتلاف خط‌مشی شواهد محور	میانجی‌گری	پاسخ‌گویی برای وعده‌های انتخاباتی	خط‌مشی حسابرسی جامعه بنیان	تدارکات جامعه تحت حمایت		
	انجمن‌های عمومی		دادرسی علنی	گرتیس	سیستم پایش جامعه بنیان	بودجه‌ریزی مشارکتی	حسابرسی اجتماعی	بیان نامه‌های سلامت
			دادرسی فقرا		ازمایشگاه شهروندی	بودجه شهروندی		

شکل ۱: طبقه‌بندی ابزار حکمرانی مشارکتی

۱-۴. روش تحقیق

رویکرد این پژوهش، کیفی است که از دورا هبرد کیفی تدبیر مسئله محور و دلالت پژوهشی به صورت ترتیبی بهره برده است. در این پژوهش مآخذ کشف اولیه دلالت‌ها،

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

قرآن کریم در نظر گرفته شده است. به این ترتیب، پژوهش با راهبرد تدبیر مسئله محور آغاز شده است که در برگیرنده مرحله‌های زیر است:

۱. انتخاب موضوع پژوهش؛
۲. شناخت و تعریف دقیق مسئله (واسازی مسئله) با توجه به مسائل واقعی در محیط سازمانی و یا در ادبیات متعارف دانش مدیریت؛
۳. تدوین مسئله و یا مسائل؛
۴. عرضه مسئله به قرآن مبین با تأکید بر مرور کامل کل قرآن و تدبیر در تک‌تک آیات؛
۵. نگارش نکات تدبری هر آیه با ذکر آیه؛
۶. دسته‌بندی مفهومی نکات تدبری ذیل مقولات کلی؛
۷. ایجاد شبکه مفهومی از مقولات برای پاسخ به مسئله (لطیفی، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

بنابراین در این پژوهش، در گام نخست بر اساس روش تدبیر مسئله محور، آیات در پیوند با مسئله پژوهش شناسایی شده و بر اساس تفسیر المیزان به فهم و کدگذاری آیات پرداختیم (جدول شماره ۱).

در باره چرایی استفاده از تفسیر المیزان در این پژوهش باید گفت که به منظور تحقیق و تتبع در آیات قرآن کریم همانند منبع اصلی و استخراج دلالت‌ها، دور راه پیش رو وجود دارد: نخست مراجعه مستقیم به آیات، بدون توجه به متون تفسیری که راهی بسیار پرخطر و غیرقابل اعتماد به نظر می‌رسد؛ دوم مراجعه به قرآن و کتب تفسیری به طور هم‌زمان که در این پژوهش راه دوم اختیار شده است؛ یعنی ابتدا متن قرآن کریم اندیشیده شد است و پس از شناسایی آیات مرتبط با موضوع برای فهم و اندیشه بیشتر در آیات به تفسیر مراجعه شد. در این پژوهش از تفسیر المیزان (نرم‌افزار جامع التفاسیر نور) استفاده شده است. در وصف جایگاه تفسیر المیزان، همین‌بس که استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله جوادی آملی از شاگردان سرآمد علامه طباطبایی رحمته‌الله، در توصیف جایگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله و تفسیر المیزان، در تفسیر تسنیم می‌گوید: «المیزان و ما ادریک ما المیزان (ذلک فضل الله یوتیه من یشاء)» (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۷۲، به نقل از لطیفی، ۱۳۸۸). نکته بارز اینکه، بیشتر کتاب‌های تفسیری به صورت ترتیبی بوده و جنبه موضوعی نداشته‌اند و در کتاب‌های تفسیری موضوعی کمی، محقق با اثری که در زمینه

موضوع این پژوهش باشد روبه‌رو نشد؛ از این‌رو با استفاده از کتب تفسیر ترتیبی و اقدامات نظری و عملی درباره تحقیق موضوعی در قرآن، فرایند تحقیق قرآنی شکل گرفته و انجام شد. در گام دوم، بر اساس روش دلالت‌پژوهشی (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۴) به کشف دلالت‌های در پیوند با مسئله پژوهش بر اساس یافته‌های گام نخست پرداختیم (جدول شماره ۱). در این مرحله، بر اساس دیدگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله به کدگذاری، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی آیات پرداخته‌ایم و در مرحله چهارم، کشف دلالت‌ها در زمینه ابزارهای حکمرانی مشارکتی بحث شده است و سرانجام، یافته‌های پژوهش را به تأیید خبرگان حوزه مدیریت دولتی و مدیریت اسلامی رساندیم.

بنابراین در این پژوهش، در گام نخست بر اساس روش تدبیر مسئله‌محور، به قرآن کریم مستند شده است و در گام دوم، بر اساس روش دلالت‌پژوهی، به کشف دلالت‌ها در پیوند با مسئله پژوهش (۱. شناخت نگاه قرآن به مفهوم مردم در زمینه تعامل مردم و حکومت؛ ۲. شناخت نگاه قرآن به مفهوم حکومت در زمینه تعامل مردم و حکومت؛ ۳. شناخت ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن) بر اساس تفسیرالمیزان پرداختیم.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. نگاه قرآن کریم به مفهوم مردم در حوزه تعامل مردم - حکومت

از دیدگاه آیات الهی و بر اساس نگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله، مردم همان بندگان خدا هستند که شایسته جایگاه خلیفه‌اللهی بوده و باید با تربیت به این جایگاه برسند. در باور ایشان، نگاه به مردم به‌عنوان بنده خدا باید در تمام امور جاری باشد؛ حتی در خانواده هم اعضای خانواده،

۱. «أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (دخان: ۱۸). مراد از کلمه «عبادالله» همان بنی اسرائیل است و اگر از آنان این‌طور تعبیر کرده است، برای این بوده که هم نسبت به آنان اظهار ترحمی کرده باشد و هم به فرعونیان فهمانده باشد که استکباری که نسبت به بنی اسرائیل می‌کنید و تعدی و تجاوزی که به حقوق آنان روا می‌دارید خود استکبار بر خدا است؛ برای اینکه بنی اسرائیل بندگان خدا هستند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۱۱).

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

یکدیگر را نه به عنوان همسر، فرزند و... بلکه به عنوان بنده خدا یا عباداللّه، دوست دارند^۱.
باتوجه به این‌گونه نگاه، درزمینه پیوند مردم و حکومت هم باید به مردم نه به‌عنوان مشتری و
شهروند، بلکه به‌عنوان بنده خدا نگاه کرد.

در نگاه اسلام، مراجعه‌کنندگان به سازمان‌های دولتی، بندگان خداوند هستند (ابراهیم: ۳۱/
حجرات: ۴۱/ بقره: ۱۸۶). پس به بندگان خداوند خدمت کنید، آنها را مشتری، مصرف‌کننده،
ارباب رجوع یا شهروند تصور نکنید.

در اندیشه حکومت اسلامی، همه انسان‌ها بندگان و مخلوق او هستند. حاکمان،
سیاست‌مداران، خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان حکومت اسلامی باید افراد مراجعه‌کننده
به خود، سازمان و محل کار خود را بندگان خداوند بدانند. بین خشنودی مردم و خشنودی
خداوند پیوندی مستقیم وجود دارد. در جهان‌بینی اسلامی راه خدا از میان خلق می‌گذارد.

مشتری، مصرف‌کننده، ارباب رجوع و شهروند هرکدام دارای کاستی‌هایی هستند. در نقد
سه مفهوم نخست، گفته شده است که مردم هر کشور، مالک دولت و سازمان‌های دولتی‌اند.
مشتری و مصرف‌کننده، افرادی هستند که حق تغییر را در مختصات سازمان ندارند، بلکه تنها
خدمات خود را دریافت می‌کنند. هدف از ارتقای کیفیت خدمات به آنها، حفظ آنها به‌عنوان
خریدار، مصرف‌کننده و مؤدیان مالیاتی است تا بتوانند در پرتو حضور آنها، ادامه حیات دهند؛
چراکه تأمین بودجه عمومی در گروی حفظ این افراد است. این سه مفهوم، مفاهیمی عاریه‌ای
از بخش خصوصی هستند که نقش بسیار منفعلانه برای افراد در نظر می‌گیرند (دانایی فرد و
الوانی ۱۳۹۰)، ولی واژه شهروند، ابراز به آن دارد که مردم، صاحبان حکومت و سازمان‌های
دولتی هستند؛ براین اساس پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مردم به‌کاربردن واژه مشتری و
مصرف‌کننده به خود را توهین‌آمیز می‌دانند و واژه شهروند را می‌پسندند.

۱. و مراد بندگان رحمان، از اینکه در دعای خود درخواست می‌کنند به اینکه همسران و ذریه‌هایشان قره‌عین ایشان
باشد، این است که: موفق به طاعت خدا و اجتناب از معصیت او شوند و در نتیجه از عمل صالح آنان، چشم ایشان
روشن شود و این دعا می‌رساند که بندگان رحمان غیر از این، دیگر حاجتی ندارند و نیز می‌رساند که بندگان رحمان
اهل حقند و پیروی هوای نفس نمی‌کنند (زیرا هر همسر و هر ذریه‌ای را دوست نمی‌دارند، بلکه آن همسر و ذریه را
دوست می‌دارند که بنده خدا باشند) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۹).

با این نگاه، شهروندگرایی هم بر گونه‌ای نظریه سیاسی استوار است. حاکمان با به‌کارگیری این واژه، انگیزه آنها به مشارکت در امور عمومی، انتخابات و مشارکت سیاسی را برمی‌انگیزانند، ولی خود می‌دانند که شهروند تنها برای روز رأی‌گیری، محترم است و پس از آن، دوباره فراموش می‌شوند. شهروندان سبب پیروزی‌ها و پایداری‌های حکومت‌ها هستند. اما پندار مردم به‌عنوان بندگان خدا نسبت به پندار آنها به‌عنوان مشتری، مصرف‌کننده، ارباب‌رجوع و شهروند بسیار برانگیزاننده‌تر است؛ چراکه بر اساس عقلانیت دینی، مسلمانان سود خود را نزد خداوند می‌بینند و خدمت بی‌منت به بندگان خداوند را اساس رسالت و مأموریت خود در دولت و حکومت اسلامی می‌دانند و برای پرداخت بیشتر مالیات به‌وسیله مردم و حضور در انتخابات، به مردم خدمت نمی‌کنند، بلکه تنها برای به‌دست آوردن خشنودی خداوند تلاش می‌کنند.

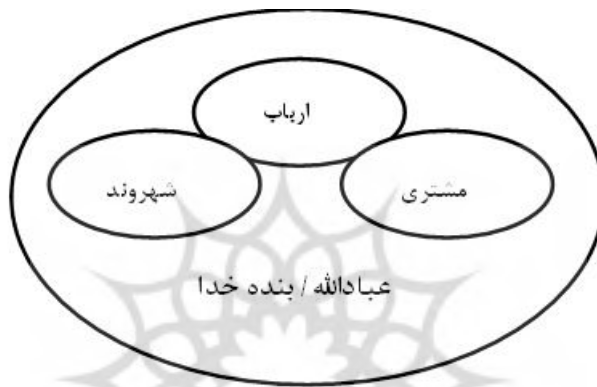
پس در جنبش مدیریت دولتی اسلامی این رهنمود، رهنمود متفاوتی با ارزش‌های حاکم بر جنبش مدیریت اداری، جنبش اداره امور عمومی جدید، مدیریت دولتی جدید، جنبش خدمات عمومی و همین‌طور جنبش مدیریت ارزش عمومی و جنبش مدیریت دولتی تلفیقی است. این مهم است که این ایده، صبغه هنجاری دارد. به‌بیان دیگر، در حکومت اسلامی، مدیران و کارکنان (در حالت آرمانی) به شیوه و روش پیش‌گفته عمل می‌کنند. حکومت‌های اسلامی کنونی هم در سراسر دنیا به درجه‌ای از این اصل پیروی می‌کنند.

اما در مرام پیوند «امام و امت» در حکومت اسلامی، امام، سیاست‌مدار، خط‌مشی‌گذار، مدیر دولتی، کارکنان دولت اسلامی، تشنگان قدرت نیستند بلکه شیفتگان خدمت هستند؛ از این‌رو از دیدگاه آنها، همه مردم یک کشور چه به‌سازمان آنها مراجعه کنند چه نکنند، بندگان خداوند هستند و خدمت به آنها، تنها برای به‌دست آوردن خشنودی خداوند انجام می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۹۵، ص ۹).

البته باید افزود که در فرهنگ قرآن، عموم مردم را به‌عنوان امت یاد می‌کند و تأکید دارد که این دین است که سبب اتحاد و انسجام مردم و ایجاد امت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۴۱). بنابراین در نگاه قرآنی، همه مردم (شهروندان) بندگان خداوند هستند. این مفهوم مانند

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

یک مفهوم جامع، همه مفاهیم در حوزه مردم (ارباب رجوع، مشتری و شهروند) را در خود جای می‌دهد؛ به این صورت که با مردم، به عنوان بنده خدا باید رفتار کرد. حال این بنده خدا گاه فراخور شرایط، باید با وی به عنوان ارباب رجوع برخورد کرد و تنها در امور اندک، وی را دخالت داد. گاه باید با او به عنوان مشتری رفتار و تنها در امور محدود و مربوط به وی، او را دخیل و گاه باید با او به عنوان شهروند، رفتار کرد.



شکل ۲- مفهوم جامع بنده خدا که سایر مفاهیم را تحت پوشش قرار می‌دهد

نگاه به مردم به عنوان عبادالله یا بنده خدا، زمینه را برای تعاملات اجتماعی آسان کرده است و سبب می‌شود هم مردم با یکدیگر بهتر و مؤثرتر تعامل داشته باشند و با انگیزه بیشتری به هم کمک کنند و هم حکومت و دولت نیز کمک به مردم و حل مشکلات مردم را کمک به بنده خدا و در واقع، کمک به خدا بدانند.

اصل مبانی‌ای ۱. در تعاملات عمومی و تعامل مردم و حکومت، مردم نه به عنوان ارباب رجوع، مشتری و شهروند، بلکه به عنوان عبادالله یا بنده خدا در نظر گرفته شود.

۲-۲. نگاه قرآن کریم به مفهوم حکومت در حوزه تعامل مردم - حکومت

بر اساس آیات قرآن، هدف از حکومت در اسلام، تربیت و رشد مردم و جامعه است؛ به بیان دیگر، حکومت در اسلام بنا شده است تا در پرتو فرمان الهی، به تربیت مردم پرداخته و

آنها را به رشد که همان مقام خلیفه‌اللهی است نزدیک کند. در واقع باید گفت که از نگاه قرآن، هدف از آفرینش انسان، رسیدن وی به کمال و جایگاه خلیفه‌اللهی بوده و جامعه و حکومت را ابزاری برای رسیدن به این هدف می‌داند.

علامه طباطبایی رحمته‌الله نقش حکومت را حفظ هدایت جامعه در برابر دیگران دانسته و باور دارند که حکومت باید عهده‌دار هدایت و رشد جامعه باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۳۸). در این گونه نگاه، دولت و حکومت را نه به‌عنوان قایق‌رانی که خود را همه‌کاره هدایت کشتی بدانند (جنبش اداره امور عمومی سنتی)، و نه به‌عنوان سکان‌داری که تنها از دور و بدون هیچ تلاشی، کشتی را هدایت کرده (جنبش مدیریت دولتی نوین) و نه به‌عنوان یک کاتالیزگر و تسهیل‌کننده هدایت کشتی (جنبش خدمات دولتی نوین)، بلکه به‌عنوان هدایت‌گری تمام‌عیار پدیدار می‌شود که با کمک مردم، وظیفه هدایت جامعه و رساندن آن به‌جای گاه رشد را داراست^۱. در دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله نقش هدایت‌گری حکومت در کنار مردم معنا پیدا می‌کند؛ یعنی حکومت به کمک مردم به تربیت و هدایت مردم می‌پردازد.

سرانجام، باید بیان کرد که نقش هدایت‌گری حکومت، به‌وسیله مردم است که تجلی پیدا کرده و حکومت با تربیت مردم و دعوت آنان، به اموری مانند (نماز، زکات، جهاد، انفاق...)، در تربیت افراد و رشد جامعه و مردم می‌کوشد. البته حکومت در این هدایت‌گری نباید از احکام و قوانین الهی تجاوز کند؛ یعنی حکومت حق وضع و یا نسخ حکم جدیدی را نداشته و

۱. و اما ولایت به معنای نصرت که برای خداوند است پیش‌تر گفتیم معنا ندارد که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارای آن باشد و از همین‌رو در آیات قرآنی هم برای آن جناب ولایت به این معنا ثابت نشده است. به‌هرجهت، جامع و فشرده این آیات این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم دارای چنین ولایتی هست که امت را به‌سوی خداوند بلندمرتبه هدایت کند و در بین آنها، حکومت و فصل خصومت کند و در تمامی شؤون آنها دخالت کند و همین‌طور که بر مردم فرمان‌برداری از خدای تعالی واجب است فرمان‌برداری از او هم بدون قید و شرط واجب است. پس برگشت ولایت آن حضرت به‌سوی ولایت تشریحی خداوند عالم است؛ به‌این‌معنا که چون فرمان‌برداری خداوند در امور تشریحی واجب است و اطاعت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم فرمان‌برداری از خداست. پس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقدم و پیشوای آنان است و در نتیجه ولایت او هم همان ولایت خداوند خواهد بود. کمالینکه برخی از آیات گذشته مانند آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» و آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» و آیاتی دیگر به این معنا تصریح می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۷).

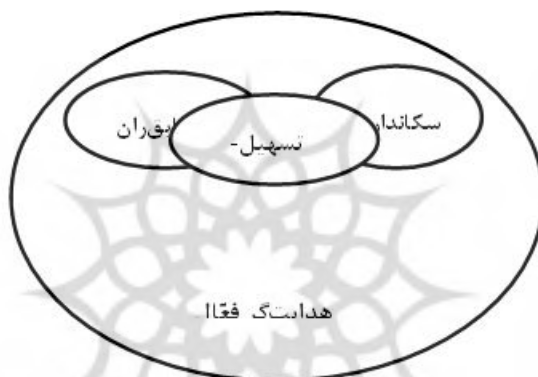
ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

تنها حق دارد در چهارچوب احکام الهی و بر اساس مصلحت جامعه به وضع قوانین پردازد. شایسته‌ترین وظیفه‌ای که حاکمی نسبت به مردم دارد، آن است که آنها را به سوی خداوند هدایت کند (بسط توحید) و وظایف دینی را به آنها آموزش دهد (بسط عبودیت). اگر همه خط مشی‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های همگانی، بر اساس دستوره‌های خداوند و همکاری مردم فراهم شوند، بی‌شک، همکاری دوسویه دولت و مردم، نیازهای مشروع مردم آگاه به دستوره‌های خداوند در اندازه بالایی برآورده خواهد شد. در حکومت اسلامی، انسان‌ها ابزار ماندگاری حکومت‌ها نیستند بلکه حکومت‌ها، ابزار رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی هستند؛ از این‌رو کارگزاران امور عمومی، بایستی دوراندیش باشند؛ یعنی امانتی که به دست آنها سپرده شده است، پتانسیل‌های بالقوه‌اش را به سمت رشد و تعالی الهی هدایت دهند، اگرچه خود شخص انسان، محور اصلی رشد شخصی خود است، ولی حکومت، زمینه‌ساز تحقق این رشد خواهد بود. سیاست‌مداران، خط مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان دولت باید خود را در خدمت بندگان خداوند قرار داده و حجابی بین خود و مردم ایجاد نکنند؛ از این‌رو حکمرانی محض و پادشاه‌مآبی در اسلام جایز نبوده و جایی ندارد؛ بر این اساس مدیران و کارکنان بخش دولتی باید به مردم کمک کرده تا منافع راستین خود را شناخته و دنبال کنند. به جای آنکه به دنبال پایش یا راهبری محض جامعه در راه ارزش‌های دلخواه خود باشند. رهبری عمومی مدیریت دولتی اسلامی بر ارزش‌های الهی آمده در قرآن و امام استوار است نه ارزش‌های حزبی و گروهی؛ از این‌رو برای تحقق ارزش‌های اسلامی باید از تجسس غیرضروری و پایش مردم دوری کرده و در همکاری تنگاتنگ با آنها، اهداف حکومت اسلامی را محقق کرد. مدیران دولتی اسلامی، باید قدرت را تسهیم و در پرتو شور و شعور، تعهد و پاکی به مردم احترام گذاشته و آنها را در راه رشد و کمال خود توانمند کنند؛ بنابراین بصیرت‌افزایی عالمانه و آگاهانه شهروندان، بدون کاربرد کنترل و اجبار، ویژه مدیریت دولتی اسلامی است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵). سرانجام باید عنوان کرد که:

* هدف حکومت در اسلام تربیت و رشد جامعه است؛

* حکومت برای رسیدن به این هدف، نقش هدایت‌گری جامعه را داشته و از مردم برای

- رسیدن به این هدف کمک می‌گیرد؛
- * حکومت، تنها در محدوده احکام الهی حق تدوین قوانین جدید را داشته و حق ندارد احکام اصلی را نسخ کرده و یا حکم جدیدی خارج از چهارچوب اصلی استخراج کند؛
 - * حکومت، امانت الهی است؛
 - * مردم و مسئولان، موظف هستند در حفظ این امانت تلاش کنند و آن را به امانت‌داران امت برسانند؛
 - * حکومت، اقامه‌کننده (برپاکننده) دستورهای خداوند است.



شکل ۳. نقش هدایت‌گری دولت؛ نقشی عام و فراگیر

اصل مبانی‌ای ۲. حکومت، نقش هدایت‌گری جامعه را برعهده دارد و با کمک مردم و بر اساس آموزش‌ها و مبانی اسلامی، برای رشد جامعه می‌کوشد. در این مفهوم، حکومت در نقش هدایت‌گر فعال ظاهر می‌شود.

۲-۳. ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

در ادامه گام‌های پژوهش و پس از گذشتن از گام اول (شناسایی مفهوم مردم از منظر قرآن)، گام دوم (شناسایی مفهوم حکومت از نگاه قرآن)، در گام سوم و بر اساس اصول مبانی‌ای پیش‌گفته، به بررسی ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن خواهیم پرداخت. این ابزارها در دو سطح ابزارهای آموزشی - در راستای تقویت مشارکت عمومی - و ابزارهای

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

انگیزشی - در راستای برانگیختن مردم به مشارکت عمومی - دسته‌بندی شده است که در ادامه به تفصیل به بیان آنها خواهیم پرداخت:

۱-۲-۳. ابزارهای آموزشی در جهت برپایی حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن کریم

۱. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت همگانی از راه معرفی و محور قراردادن اسوه و نمونه؛
۲. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت همگانی از راه تبیین چیستی، چرایی و چگونگی جهاد، زکات و انفاق به‌عنوان یکی از نمونه‌های مشارکت همگانی؛
۳. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت همگانی از راه اصلاح شیوه تعامل برای نگرهبانی از آن و ادامه مشارکت همگانی با یادآوری موانع گمان‌برانگیز (از جمله دست‌درازی نکردن به مال یتیم، بی‌توجهی به سخنان لغو و بیهوده در جامعه)؛
۴. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت همگانی از راه بیان ارزش نقش‌آفرینی گروهی؛
۵. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت همگانی از راه تبیین ارزش مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری؛
۶. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای بهبود پیوند رهبر و افراد بر پایه انس و الفت؛
۷. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مدیر و رهبر به شکیبایی، مشورت‌پذیری و توانمندسازی آنها برای این امر؛
۸. ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مدیر و رهبر به ساده‌گویی و بیان روان.

۲-۲-۳. ابزارهای انگیزشی در راستای ادامه حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن

۱. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه ترساندن؛
۲. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه بشارت‌دادن؛
۳. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه بیان احوال گذشتگان و عبرت‌گیری از آنان؛
۴. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه نشان‌دادن آینده روشن و دستاورد مشارکت همگانی.

جدول ۳. نمونه آبه‌های برگزیده و ابزارهای احصاشده بر اساس تفسیر شریف‌المیزان

ردیف	ابزار	نمونه آیات	نمونه تفسیر المیزان
۱	ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه بیان ارزش نقش‌آفرینی گروهی	رعد: ۱۱	ج ۱۱، ص ۴۲۳

ردیف	ابزار	نمونه آیات	نمونه تفسیر المیزان
۲	ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه تبیین چیستی، چرایی و چگونگی جهاد، زکات و انفاق به عنوان یکی از نمونه‌های مشارکت همگانی	محمد: ۴/ بقره: ۱۹۲- ۱۹۵/ فتح: ۱۷	ج ۱۸، ص ۳۴۰ ج ۱۸، ص ۴۲۱
۳	ایجاد انگیزه برای مشارکت همگانی از راه ترساندن	بقره: ۲۴۴-۲۴۵ انفال: ۶۰/ توبه: ۸۹/ فاطر: ۳	ج ۲، ص ۲۱۳ ج ۹، ص ۱۵۳ ج ۱۷، ص ۶۰
۴	ایجاد انگیزه برای مشارکت همگانی از راه نشان دادن آینده روشن و دستاورد مشارکت همگانی	قصص: ۶/ نور: ۵۵/ فتح: ۱۸	ج ۱۶، ص ۹ ج ۱۵، ص ۲۰۹ ج ۱۸، ص ۴۲۶
۵	ایجاد انگیزه برای مدیر و رهبر به شکیبایی و مشورت‌پذیری و توانمندسازی آنها برای این امر	شوری: ۳۸/ طه: ۲۵/ توبه: ۶۱	ج ۱۷ ص ۳۷۸

الف) ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه معرفی و محور قراردادن اسوه و نمونه

قرآن کریم، معرفی اسوه و نمونه را یکی از سازوکارهای آموزشی مردم برای ایجاد انگیزه مشارکت همگانی دانسته است و در آیات گوناگونی می‌کوشد با معرفی مؤمنان راستین، افراد را تشویق کند تا خود را از نظر ویژگی به این افراد برسانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۹۳). به‌راستی، راهبرد قرآن برای ایجاد ظرفیت در شهروندان در امر مشارکت، گاه معرفی افراد اسوه و نمونه‌ای است که خود نمود کامل مؤمن راستین و شهروند مشارکت‌جو هستند؛ برای نمونه، قرآن با بیان ویژگی‌های مؤمن راستین - جهادکردن، انفاق کردن، زکات دادن و... - می‌کوشد شهروندان را برای این امور تربیت کرده و بیان کند اگر می‌خواهید مانند مؤمنان راستین (اسوه) باشید، باید به مشارکت اجتماعی پردازید (مؤمنون: ۱-۱۱/ شورا: ۱۲).

ابزار ۱. با معرفی نمونه‌هایی از مؤمن و مسلمان راستین که به مشارکت همگانی پرداخته و با حکومت و دیگر بندگان خدا تعامل دارند، می‌توان ارزش مشارکت همگانی را به مردم آموزش داد و زمینه را برای بهبود تعامل مردم - حکومت آماده کرد.

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

ب) ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه تبیین چیستی، چرایی و چگونگی جهاد، زکات و انفاق به عنوان یکی از نمونه‌های مشارکت همگانی

جهاد، زکات، انفاق از مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام هستند. در واقع در صدر اسلام، مشارکت مردمی در غالب جهاد، زکات و انفاق نمایان می‌شد. قرآن برای اینکه مردم را به این مهم برانگیزاند، دست به آموزش آنان در این حوزه زده و آنان را با آموزش، برای این امور آماده می‌کند. می‌توان گفت اسلام در نظر دارد از راه آموزش مردم، بلوغ لازم را برای جهاد در آنان ایجاد کند. راهبرد اسلام برای توانمندی مردم برای جهاد، این است آنان را از راه آموزش و از پیش، برای این امر آماده کند. این آماده‌سازی در مواردی از جمله: نحوه جهاد، زمان جهاد، چگونگی جهاد، اینکه جهاد بر چه کسانی واجب و بر چه کسانی واجب نیست و... است (محمد: ۴/ بقره: ۱۹۱-۱۹۷/ فتح: ۱۷). در جنبه مشارکت‌های مالی، نگاه اسلام تنها این نیست که مشارکت اجتماعی داشته باشید و زکات و انفاق کنید، بلکه مردم را عاقل و بالغ دانسته و با دادن آموزش و اطلاعات به آنها (در مورد اینکه این زکات و انفاق آنها چطور و برای چه کسانی هزینه می‌شود، زکات برای چه اموری تعلق می‌گیرد و اینکه فرد انفاق کننده و صدقه‌دهنده باید چه رفتاری داشته باشد) می‌کوشد به افراد، توانمندی لازم برای مشارکت را داده و افرادی تربیت کند که با دید باز و با دانش و اطلاعات دست به مشارکت بزنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۱-۲۴۲ و ج ۱۳، ص ۱۱۴).

ابزار ۲. با تبیین چیستی، چگونگی و چرایی جهاد، زکات و انفاق به عنوان نمونه‌های مهمی از مشارکت همگانی، می‌توان بستر و زمینه لازم را برای پذیرش این نوع مشارکت در مردم ایجاد کرد.

ج) ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه اصلاح شیوه تعامل به منظور نگهبانی از آن و ادامه مشارکت عمومی با یادآوری موانع گمان برانگیز (مانند دست‌درازی نکردن به مال یتیم و بی‌توجهی به سخنان لغو و بیهوده در جامعه)

قرآن برای آسان کردن امر مشارکت اجتماعی و اینکه ادب و احترام را در جامعه گسترش دهد و از این رو سبب بهبود مشارکت‌های اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای بر پایه

احترام و محبت شود، شیوه تعامل درست را به مردم آموزش می‌دهد. به بیان بهتر، دین اسلام برای رشد جامعه، فرد و تشکیل جامعه‌ای مشارکت‌جو و بر پایه خیر و محبت، ادب و احترام، حتی امور جزئی مانند شیوه سلام کردن، شیوه برخورد و رفتن به خانه‌های یکدیگر را هم به مردم آموزش می‌دهد (نساء: ۸۶)؛ از سویی، قرآن در زمینه شیوه تعامل و رفت‌وآمد با یکدیگر، تأکید دارد که این تعاملات باید با اطلاع و اجازه طرف روبه‌رو انجام شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۵۳). در واقع، دین اسلام پس از تأکید بسیار بر صله ارحام و باخبر بودن از حال یکدیگر، این آموزش را هم به مردم می‌دهد که رفتن به خانه یکدیگر هم باید با برنامه و اصول باشد تا سبب گرفتاری برای یکدیگر نشود. این آموزش خود سبب احترام بیشتر در جامعه شده و جامعه‌ای ایجاد می‌کند که با رعایت احترام و ادب از احوال یکدیگر آگاه هستند. این امور خود سبب ایجاد توانمندی در جامعه برای مشارکت‌های اجتماعی می‌شود.

اسلام در ادامه روند آموزش و ایجاد انگیزه برای ایجاد توانمندی در مردم برای مشارکت بهتر و بیشتر، امری را به آنها آموزش می‌دهد که شاید در ظاهر اثری بر مشارکت اجتماعی نداشته باشد، اما بی‌گمان، اگر نیک به آن نگریسته شود، یکی از مهم‌ترین دلایل‌های ایجاد ثبات و امنیت در جامعه بوده است و سبب می‌شود مردمی پای‌بند در برابر همه آحاد جامعه از جمله یتیمان ایجاد شود. در واقع، روند تربیتی قرآن برای ایجاد توانمندی در مردم در امر مشارکت همگانی، روندی بی‌همتا است. قرآن در راستای ایجاد توانمندی در مردم، می‌کوشد آنها را در برابر بخش آسیب‌پذیر در جامعه - یعنی یتیمان - پای‌بند کند و از این‌راه، توانمندی لازم برای پای‌بندی در برابر همه آحاد جامعه را در آنان ایجاد کرده و زمینه را برای مشارکت عمومی بهبود بخشد. در برخی از آیات (انعام: ۱۵۲ / نساء: ۱-۶) به مردم آموزش داده می‌شود که چطور با مال یتیم برخورد کرده و نه تنها مال وی را نخورند، بلکه آن را به‌گونه‌ای نیکو مراقبت کنند تا فرد یتیم بزرگ‌شده و توانایی اداره امور خود را داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۱۸ و ج ۴، ص ۲۶۳-۲۶۵).

ابزار ۳. آموزش شیوه تعامل با یکدیگر (چگونگی تعامل، زمان تعامل، شرایط تعامل و...)

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

و تذکر موانع گمان برانگیز تعامل اثربخش، سبب تربیت مردم در این زمینه شده و مشارکت عمومی را در جامعه اثربخش و هم افزا می کند.

د) ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه بیان ارزش نقش آفرینی گروهی

قرآن در راستای راهبرد آموزشی و تربیتی خود برای افزایش توانمندی در مردم برای مشارکت همگانی، این بار این مطلب را به مردم آموزش می دهد که اگر خواهان پیشرفت و رشد هستید باید خودتان تلاش کرده و خودتان زمینه های این تغییر را ایجاد کنید؛ چراکه خدا سرنوشت هیچ قومی را بدون تلاش آن قوم تغییر نمی دهد (رعد: ۱۱). در واقع، راهبرد قرآن در این زمینه، راهبرد آگاهی بخشی است و قرآن می کوشد با آگاه سازی مردم و آموزش این امر به آنان که تغییر و رشد، نتیجه زحمت، تلاش و مشارکت و همکاری خودشان است، توانمندی لازم برای مشارکت همگانی را در آنان ایجاد کند. خداوند در قرآن، چنین حکم رانده و حکمش را حتمی کرده که نعمت ها و موهبت هایی که به انسان می دهد مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد که اگر آن حالات، موافق با فطرتش بود آن نعمت ها و موهبت ها هم جریان داشته باشد؛ برای نمونه، اگر مردمی به خاطر پایداری فطرت شان به خدا، ایمان آورده و عمل صالح کردند. به دنبال آن، نعمت های دنیا و آخرت به سوی شان سرازیر شود و مادامی که آن حالت در دل های ایشان دوام داشته باشد، این وضع هم از سوی خدا دوام یابد و هر زمان که ایشان حال خود را تغییر دادند، خداوند هم وضع رفتار خود را عوض کند و نعمت را به رنج و سختی تبدیل کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۲۳).

ابزار ۴. تبیین اهمیت نقش آفرینی گروهی و اینکه سعادت و شقاوت هر جامعه به دست افراد همان جامعه است، سبب ایجاد زمینه لازم برای مشارکت پویا و اثربخش در جامعه می شود.

ه) ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه تبیین ارزش مسئولیت پذیری و فرمانبری

آموزش مسئولیت پذیری و فرمانبری، یکی از شاخص ترین اصول آموزشی قرآن در راستای توانمندسازی مشارکت همگانی است. در نگاه قرآنی، افراد باید در برابر وظایفی که به آنها

سپرده می‌شود، مسئولیت‌پذیر باشند. در این نگاه مسئولیت‌پذیری و فرمان‌برداری با یکدیگر در هم‌تنیده است. مادامی که مسئولیت مشخص شود، فرمانده معلوم می‌شود و فرمان‌برداری مفهوم می‌یابد. در این نگاه، مسئولیت‌پذیری و فرمان‌برداری به‌قدری ارزشمند است که انجام‌ندادن آن، سبب ماندگاری در آتش جهنم خواهد بود (نساء: ۱۴). در دیدگاه اسلامی، همه در باره وظایف سپرده‌شده به ایشان در فضایی بر پایه عدالت (فاطر: ۱۸)، در اندازه توان‌شان، مسئول و پاسخ‌گو هستند (بقره: ۲۸۶). مسئولیت، پیروی در جریان‌گرفتن افراد از راه شنیدن و دیدن (نور: ۱۶)، علم، آگاهی و قدرت اجرای مسئولیت است (نساء: ۹۸). در نگاه قرآنی، افراد آگاه‌تر مسئولیت بیشتری دارند (رعد: ۱۳۷). همچنین هر فردی در دایره مسئولیت خود، موظف به ادای وظیفه است و حق تجسس و ورود به حوزه‌هایی را که از آنها منع شده است ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۶۹).

یکی از مهم‌ترین اموری که قرآن از نخست به آموزش آن پرداخته است، آموزش پذیرش نابرابری‌های حقیقی و رد نابرابری‌های جعلی و ساختگی است (حجرات: ۱۳). قرآن کریم به مردم آموزش می‌دهد که در زندگی اجتماعی تنها تقوا است که سبب برتری افراد در جامعه می‌شود (نه اموری مادی مانند مال و...)، در ادامه این روند آموزشی، قرآن کریم به آموزش پیشگام‌بودن دیدگاه ولیّ جامعه در همه امور نسبت به مردم می‌پردازد. در واقع اسلام، نخست به مردم این آموزش را می‌دهد که در همه امور باید از ولیّ جامعه - که در واقع همان ولیّ خدا در جامعه است - فرمان‌برداری شود؛ چراکه فرمان‌برداری از ولیّ، یعنی فرمان‌برداری از خدا و فرمان‌برداری از خدا یعنی سعادت جامعه. از نگاه قرآن کریم، سرآمدبودن رسول خدا ﷺ به مؤمنین از خود مؤمنین این است که ایشان، اختیاردارتر نسبت به مؤمنین است از خود مؤمنین. معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر را دائر دید، بین حفظ منافع رسول خدا ﷺ و حفظ منافع خودش، باید منافع رسول خدا ﷺ را پیشگام بداند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۱۳). قرآن با آموزش پیشگامی فرمان‌برداری از ولیّ، این امر را به مردم آموزش می‌دهد که در همه کارها، باید سعادت جامعه را بر سعادت فردی ترجیح دهند و اگر ولیّ جامعه، امر به مشارکت همگانی کرد بی‌گمان از آن فرمان‌برداری کنند. همان‌گونه که دیده

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

می‌شود، این امر هم سبب افزایش توانمندی مشارکت همگانی در جامعه شده و جامعه‌ای با مردمی بالغ تربیت می‌کند.

ابزار ۵. تبیین اهمیت مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری به مردم و اینکه هر فرد در جامعه مسئولیتی دارد (هرم مسئولیت در جامعه بر اساس توانمندی و توان افراد) سبب افزایش انسجام اجتماعی در جامعه شده است و زمینه را برای مشارکت همگانی پویا و اثربخش فراهم خواهد کرد.

(و) ایجاد انگیزه و توانمندی در مدیران برای مشارکت عمومی از راه آموزش شیوه تعامل با مردم (آموزش بهبود رابطه رهبر و افراد بر پایه انس و الفت)

قرآن کریم در ادامه روند آموزشی خود برای افزایش ظرفیت مشارکت همگانی در جامعه، به آموزش شیوه تعامل مدیر جامعه با مردم می‌پردازد و به مدیر جامعه، این آموزش را می‌دهد که با زبان نرم و با محبت برخورد کند؛ چراکه اخلاق بد و زبان تند، نه تنها مردم را به مشارکت عمومی تشویق نمی‌کند، بلکه سبب دوری مردم از جامعه و رسول خدا ﷺ شده و انسجام اجتماعی را از بین می‌برد (آل عمران: ۱۵۹). به بیان دیگر، قرآن در راستای ایجاد انسجام در جامعه، می‌کوشد با آموزش شیوه درست تعامل با مردم، جامعه‌ای هماهنگ ایجاد کند که توانایی لازم برای فرمان‌برداری از فرمان‌های قرآن و مشارکت همگانی را داشته باشند؛ بنابراین سفارش می‌کند که مدیران و حاکمان، بی‌گمان در همه امور با مردم مهربان باشند و با زبان نرم و محبت آنان را برای عمل به دستورهای خداوند جذب کنند. در نگاه قرآنی، هدایت‌ها باید رنگ و بوی محبت داشته باشد (نمل: ۷۷) و رهبر باید دلسوز مردم جامعه باشد و از این‌رو در ادبیات قرآنی، امامت و رحمت (دلسوزی) و هدایت، در کنار هم هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۱).

ابزار ۶. پیوند رهبر و مردم بر پایه محبت و الفت سبب افزایش نگرش مثبت مردم به حکومت شده و زمینه را برای مشارکت عمومی افزایش می‌دهد.

(ز) ترغیب مدیر و رهبر به شکیبایی و مشورت‌پذیری و توانمندسازی آنها برای این امر

مدیران باید از درون خود نسبت به زبردستان، فروتنی و در امور مربوط به افراد، از مشورت استفاده کنند (شوری: ۳۸)؛ چراکه در مشورت، دلجویی از نیروها، شکوفایی

استعدادها، شناخت دوستان از دشمنان، گزینش بهترین رأی، ایجاد محبت و علاقه و درس عملی برای دیگران نهفته است (لطیفی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲). در واقع، مدیرانی که با افراد جامعه مشورت می‌کنند، انگیزه لازم را برای مشارکت عمومی در آنها بهبود بخشیده و سبب افزایش مشارکت اثربخش مردم با حکومت می‌شوند. آموزش انتقادپذیری و شکیبایی به مدیران هم سبب می‌شود آنها بادقت و حوصله بیشتری به نظرات مردم توجه کنند. به بیان دیگر، حاکمان باید نسبت به انتقادهای افراد، گوش شنوا داشته باشند. از نگاه علامه طباطبائی رحمته الله علیه هم از صفت‌های رهبر آگاه، شکیبایی (طه: ۲۵)، گوش دادن مؤثر به حرف همه گروه‌ها (توبه: ۶۱)، برخورد محبت‌آمیز با آنان، عیب‌پوشی و بازگذاشتن راه عذرخواهی و توبه افراد است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۰۱).

ابزار ۷. هر چه شکیبایی رهبر بیشتر باشد و در همه امور با مردم مشورت داشته باشد، مردم هم با انگیزه بیشتری در امور همگانی مشارکت خواهند داشت.

ح) ترغیب و ظرفیت‌سازی مدیر و رهبر به ساده‌گویی و بیان روان

تعامل سازنده مدیران بخش عمومی با مردم، سبب افزایش انگیزه آنان برای مشارکت همگانی می‌شود؛ از این رو تعامل ساده، بی‌آلایش و با صداقت مدیران با مردم نه تنها سبب افزایش مشارکت همگانی در جامعه می‌شود، بلکه کیفیت مشارکت را هم افزایش خواهد داد. در دیدگاه علامه طباطبائی رحمته الله علیه، ساده‌گویی و بیان روان، کمال است (طه: ۲۷) و مدیران باید بدانند مادامی که پیچیده‌گویی یا از جایگاه خودخواهی، امر و نهی کنند امکان فهم و پذیرش برای بخشی از افراد سازمان و به‌ناچار، پیروی آنها از دستورهای مدیران نخواهد بود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۸).

ابزار ۸. هرچه مدیر با زبان ساده و به دور از آلایش و پیچیدگی با مردم سخن بگوید و پیوند برقرار کند، مردم هم با انگیزه بیشتری در امور مشارکت خواهند داشت.

ط) ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه ترساندن

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای انگیزه‌سازی در قرآن، ایجاد انگیزه از راه ترساندن و

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

هشدار دادن است. در واقع قرآن گاه برای تشویق مردم به مشارکت همگانی (جهاد، انفاق، زکات، صدقه و...)، آنها را از عذاب آخرت ترسانده و بیان می‌کند که نداشتن مشارکت همگانی، عذاب سخت آخرت را به دنبال دارد. البته، یکی از مبانی تعامل مردم و حکومت در فرهنگ قرآن، معادباوری است و قرآن هم سازوکارهای انگیزشی خود را بر اساس این مبانی، پی‌ریزی کرده است. به بیان دیگر، این سازوکارها برای جامعه و مردم معادباور، کاربرد دارد نه جامعه‌ای که به معاد باور ندارند؛ از این رو قرآن نخست به تربیت مردم پرداخته و معادباوری را در آنان تقویت می‌کند و در گام بعدی، بر اساس اصل معادباوری، مردم را از راه ترساندن از عذاب آخرت، برای مشارکت همگانی آماده می‌کند؛ برای نمونه، قرآن به کسانی که بخل ورزیده و زکات نمی‌دهند و انفاق نمی‌کنند هشدار می‌دهد که این بخل، آنها در روز قیامت گریبان‌گیر خواهد کرد (آل عمران: ۱۸۰) و آنها به عذابی سخت گرفتار می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۲۵). در برخی دیگر از آیات قرآن کریم، افرادی که به ثروت اندوزی و احتکار پرداخته، از آتش جهنم می‌ترسانند (توبه: ۳۵) و تأکید می‌کند که نداشتن مشارکت همگانی در راه پیشرفت دین و جامعه، عذابی سخت خواهد داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۳-۳۳۱). گاه این ترساندن از عذاب آخرت، افرادی را در برمی‌گیرد که نه تنها خود به مشارکت همگانی در جامعه نپرداخته و از راه انفاق و زکات به هم‌نوع خود و جامعه کمک نمی‌کنند، بلکه به تمسخر افرادی می‌پردازند و از این راه در خودداری آنان از این کار می‌کوشند (همان، ص ۴۷۴).

ابزار ۹. در جامعه معادباور که حکومت را از آن خدا می‌دانند و پیروی از دستوره‌های ولی جامعه را بر خود واجب می‌دانند، افراد انگیزه بیشتری برای عمل به دستوره‌های اجتماعی دارند؛ چراکه بی‌توجهی به این دستورها را برابر با عذاب آخرت می‌دانند.

ی) ایجاد انگیزه از راه بشارت دادن

یکی دیگر از سازوکارهای قرآن برای ایجاد انگیزش مشارکت همگانی در مردم، بشارت دادن و تشویق است. قرآن برای برانگیختن مردم در امر ایمان به خدا و پیروی از دستوره‌های او (ایمان و عمل صالح) از جمله دستوره‌های اجتماعی مانند جهاد، زکات، انفاق

و... دست به تشویق و انگیزش مردم زده و بیان می‌کند که خدا این کارها را بی‌نتیجه نگذاشته و بی‌گمان نتیجه آن را در دنیا و آخرت به‌صورت چندین برابر به آنها خواهد داد. البته همان‌گونه که در پیش‌تر بیان شد، سازوکارهای ترساندن و بشارت‌دادن برای جامعه و مردمی معادباور و توحیدباور کاربرد دارد. قرآن کریم برای ایجاد انگیزه در مردم برای جهاد، آنان را از پاداش سترگی که در آخرت نصیب‌شان می‌شده، آگاه کرده است و تأکید می‌کند هرکس به خدا قرض دهد (مال، جان و...) خدا در آخرت ده‌برابر آن را به او پس می‌دهد (بقره: ۲۴۵/ انفال: ۶۰/ توبه: ۸۸ و ۸۹). قرآن کریم، افرادی را که در راه خدا انفاق می‌کنند به تجارتی ابدی وعده داده است و تأکید می‌کند که این افراد در روز قیامت، چندین برابر انفاق‌شان پاداش دریافت خواهند کرد (فاطر: ۲۹ و ۳۰) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۶۰).

ابزار ۱۰. در جامعه معادباور که حکومت را از آن خدا می‌دانند و پیروی از دستوره‌های ولیّ جامعه را بر خود واجب می‌دانند، افراد انگیزه بیشتری برای عمل به دستوره‌های اجتماعی دارند؛ چراکه توجه به این دستورها را برابر با پاداش سترگ و همیشگی آخرت می‌دانند.

ک) ایجاد انگیزه از راه بیان احوال گذشتگان و عبرت‌گیری از آن

یکی دیگر از استراتژی‌های اسلام برای ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت، بیان امدادهای غیبی خدا درگذشته نسبت به کسانی است که به دستوره‌های خداوند (از جمله دستوره‌های اجتماعی مانند جهاد، انفاق و...) عمل کرده‌اند. در واقع، قرآن برای ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت‌های همگانی، گاه از امدادهای الهی که نسبت به مردم مؤمن گذشته، داشته‌است مثال می‌زند تا نشان دهد که خدا کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح (جهاد، زکات، انفاق و...) انجام می‌دهند را همواره یاری می‌کند. راهبرد قرآن در این باره، این‌گونه است که برای تشویق مردم در یک امر اجتماعی (مانند جهاد) از مؤمنان در دوره‌های گذشته که جهاد کرده و مشمول امداد الهی شده و پیروز شده‌اند، نمونه بیاورد و از این راه، انگیزه مردم برای مشارکت عمومی (جهاد) را افزایش دهد (آل عمران: ۱۲۱-۱۲۸/ ن.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۹ و ۴). در برخی آیات دیگر، خدا از امت‌های گذشته که ستم کرده و به دستوره‌هایش گوش نکرده‌اند نمونه آورده و بیان می‌کند که چطور این امت‌ها به هلاکت رسیده‌اند. در واقع، قرآن در این آیات در نظر دارد با بیان حال

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

امت‌های گذشته - که به دستورات خداوند عمل نمی‌کردند - انگیزه لازم برای ایمان و عمل صالح را در مردم ایجاد کند (هود، ۱۰۰-۱۰۲/ن.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۶ و ۴). قرآن کریم مردم را به گردش در احوال گذشتگان و مشاهده عاقبت افرادی که به خدا ایمان نیاورده و به دستورهای خدا و رسول خدا ﷺ - از جمله دستورهای اجتماعی مانند زکات، انفاق، جهاد و ... - عمل نکرده‌اند، دعوت می‌کند (غافر: ۲۱ و ۲۲) تا از این راه، انگیزه لازم برای مشارکت‌های اجتماعی را در آنان ایجاد کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۹۵).

ابزار ۱۱. با بیان احوال گذشتگان در تاریخ و نشان دادن سرانجام امت‌هایی که به دستورهای ولیّ جامعه - از جمله فرمان‌های اجتماعی وی مانند مشارکت همگانی - توجه کرده و امت‌هایی که بی‌توجه به دستورهای وی بودند، می‌توان انگیزه لازم برای مشارکت همگانی را در افراد به وجود آورد. در واقع مردم با مشاهده سرانجام امت‌ها (عاقبت مثبت و منفی) انگیزه لازم برای مشارکت عمومی را پیدا خواهند کرد.

ل) ایجاد انگیزه از راه بیان آینده مثبت و امیدبخش

بیان آینده مثبت و امیدبخش، یکی دیگر از استراتژی‌های قرآن کریم در ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت همگانی و تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها است. در واقع قرآن کریم، گاه برای اینکه انگیزه لازم برای ایمان، عمل صالح و تلاش را در مردم ایجاد کند، به ترسیم آینده امیدبخشی که دستاورد تلاش، ایمان و عمل صالح است (قصص: ۶ و ۵) پرداخته و بیان می‌کند که اگر تلاش کنید و به دستورهای خداوند گوش دهید بی‌گمان، آینده‌ای امیدبخش در انتظار شما است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵ و ۹). در واقع، قرآن کریم با ترسیم جامعه صالح و مدینه فاضله‌ای که نتیجه تلاش‌ها و مجاهدت‌های مردم است، می‌کوشد تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها را برای آنان راحت کرده و انگیزه مشارکت اجتماعی را در آنان افزایش دهد (نور: ۵۵/ن.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۰۹). در برخی دیگر از آیات هم قرآن برای ترغیب مسلمانان به جنگ و جهاد، آنان را از غنائمی که هم در دنیا و هم در آخرت از این جهاد نصیب‌شان شده، آگاه می‌کند و از این راه در ایجاد انگیزه برای جهاد در آنان می‌کوشد (فتح: ۱۸-۲۱/ن.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۲۶-۴۲۷).

ابزار ۱۲. با ترسیم جامعه ایده‌آل که نتیجه مشارکت همگانی و تلاش مردم است، می‌توان مردم را به مشارکت همگانی برانگیزاند.

هدف تعامل: رشد و پیشرفت

ابزارهای آموزشی	ابزارهای انگیزشی
<p>۱. ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه معرفی و محور قراردادن اسوه و نمونه؛</p> <p>۲. ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه تبیین چیستی، چرایی و چگونگی جهاد، زکات و انفاق به‌عنوان یکی از نمونه‌های مشارکت همگانی؛</p> <p>۳. ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه اصلاح شیوه تعامل برای نگرهبانی از آن و ادامه مشارکت همگانی با یادآوری موانع احتمالی (مانند دست‌درازی نکردن به مال یتیم، بی‌توجهی به سخنان لغو و بی‌هوده در جامعه)؛</p> <p>۴. ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه بیان ارزش نقش‌آفرینی جمعی؛</p> <p>۵. ایجاد انگیزه و توانمندسازی برای مشارکت همگانی از راه تبیین اهمیت مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری؛</p> <p>۶. بهبود پیوند رهبر و افراد بر پایه انس و الفت؛</p> <p>۷. ایجاد انگیزه در مدیر و رهبر برای شکیبایی، مشورت‌پذیری و توانمندسازی آنها برای این امر؛</p> <p>۸. ایجاد انگیزه و توانمندسازی مدیر و رهبر برای ساده‌گویی و بیان روان؛</p>	<p>۱. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه ترساندن؛</p> <p>۲. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه بشارت‌دادن؛</p> <p>۳. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه بیان احوال گذشتگان و عبرت‌گیری از آنان؛</p> <p>۴. ایجاد انگیزه مشارکت همگانی از راه نشان‌دادن آینده روشن و دستاورد مشارکت همگانی</p>

نقش حکومت: هدایت‌گر فعال

نقش مردم: بنده خدا

شکل ۴- ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن

نتیجه

ایجاد پیوند اثربخش و ژرف بین مردم و حکومت، یکی از بنیادی‌ترین وظایف حکومت‌ها است؛ چراکه از رهگذر این تعامل (تعامل مردم - حکومت) اعتماد مردم به ساختار حکمرانی افزایش پیدا کرده، همراهی مردم با دولت بهبود یافته و دولت‌ها اثربخش‌تر عمل خواهند کرد. مشارکت مردم در حکمرانی در درجه اول بایستی همراه با فراهم کردن ابزارها و سازوکارهای درخور و کارآمد باشد و در درجه دوم، باید انگیزه لازم برای این‌گونه مشارکت در مردم ایجاد شود. یکی از گام‌های مهم و اساسی برای گسترش مشارکت پویای مردم در پهنه حکمرانی و اداره کشور و به اصطلاح مردمی‌سازی نظام حکمرانی، پی‌ریزی ابزارها و سازوکارهای فراخور با زمینه‌های اجتماعی و سیاسی کشور است.

پژوهش‌های زیادی در راستای پی‌ریزی ابزارهای درخور برای پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی انجام شده است که بر اساس فلسفه و دکترین ویژه هر حکومت و کشور بوده است. در واقع همان‌گونه که شفریتز هم بیان می‌کند، هر فعالیتی بر اساس یک فلسفه و یک دکترین ویژه‌ای انجام می‌شود که از یک بینش خاص سرچشمه می‌گیرد. تعامل مردم - حکومت هم در هر کشور و حکومت بر اساس فلسفه و دکترین ویژه خود سامان‌دهی شده‌است و این فلسفه ویژه هر سیستم و حکومت است که بیان می‌کند چطور باید با مردم تعامل برقرار کرد. در این بین، در کشور ما که کشوری اسلامی با حکومتی دینی و بر پایه قرآن و عترت است استفاده از ابزارهای درخور حکمرانی مشارکتی در راستای بهبود مشارکت همگانی باید بر اساس مبانی بنیادین و ژرف قرآنی و دینی بوده تا اثربخشی لازم را داشته باشد. به بیان دیگر، باید گفت در کشوری با فلسفه و دکترین دینی و اسلامی، استفاده از ابزارهای مشارکت همگانی غربی نه تنها اثربخش نیست، بلکه گاه اثر منفی بر مشارکت همگانی خواهد گذاشت.

این پژوهش با سوال اصلی، پی‌ریزی ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن آغاز شد. برای پاسخ به این پرسش، نخست به بررسی مفهوم مردم و حکومت از دیدگاه قرآن پرداختیم. قرآن کریم در زمینه تعامل مردم و حکومت، برای مردم نقش عبادالله (بنده خدا)

و برای حکومت، نقش هدایت‌گر پویا را قائل است. به بیان دیگر، در نگاه قرآن به مردم در تعاملات با دولت و یکدیگر باید به‌عنوان بنده خدا نگریسته شود؛ این نگاه هم سبب بهبود تعامل مردم با دولت شده و هم دولت را به مردم، پاسخگوتر کرده و نقش بیشتری برای آنها در اداره امور عمومی در نظر خواهد گرفت. به بیان دیگر، در ادبیات قرآن به مردم نه به‌عنوان مشتری - جنبش مدیریت دولتی نوین - و نه به‌عنوان شهروند - جنبش خدمات همگانی نوین - نگریسته می‌شود بلکه مردم در این نگاه، بندگان خدا هستند که خدمت به آنها واقع خدمت به خداست.

در پاسخ به پرسش مبانی‌ای دوم در ادبیات قرآنی نقش حکومت به‌عنوان هدایت‌گر پویا، تصور شده و بر این اصل، استوار است که وظیفه حکومت، رشد افراد و به تبع جامعه می‌باشد. این نگاه برخلاف دیدگاه‌های غربی که هدف حکومت ارائه‌دهنده خدمات صرف به مردم می‌داند، براین‌باور است که حکومت باید در منظومه اصلی رشد، هدایت و پیشرفت مردم و جامعه تلاش کرده و در این راستا به ارائه خدمت به مردم بپردازد.

پس از پاسخ به دو پرسش مبانی‌ای پیش‌گفته که ترسیم‌کننده گونه و جهت تعامل مردم با حکومت و شکل‌دهنده ابزارهای حکمرانی مشارکتی قرآنی است به دنبال بررسی ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن رفته و به پی‌ریزی بسته ابزارهای حکمرانی مشارکتی از دیدگاه قرآن پرداختیم. اساس آیات برگزیده قرآن و تفسیرالمیزان در بردارنده ۱۲ ابزار است که می‌کوشد به بهبود انگیزه مشارکت همگانی در مردم و آموزش شیوه مشارکت به آنها بپردازد.

در بسته پی‌ریزی‌شده، هم به ابزارهای آموزشی و تربیتی و هم به ابزارهای انگیزشی در الگوی حکمرانی مشارکتی قرآنی سفارش شده است. قرآن کریم، تربیت و آموزش مردم و مدیران را شاخص‌ترین عامل برای بهبود مشارکت همگانی دانسته و براین‌باور است با آموزش اصولی و اثربخش مردم و مدیران می‌توان هم‌ظرفیت مدیران را برای برقراری پیوند مؤثر با مردم افزایش داد و هم مردم را برای مشارکت همگانی آماده کرد. استفاده از سازوکارهای آموزشی قرآن کریم می‌تواند سبب بهبود تعامل مردم - حکومت شود؛ برای نمونه، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تربیتی قرآن کریم، آموزش انفاق و زکات است. قرآن کریم برای تشویق مردم در

ابزارهای حکمرانی مشارکتی از منظر قرآن کریم

این امر، به‌طور شفاف، به آموزش مردم پرداخته و مواردی - مانند اینکه انفاق و زکات چه چیزهایی را در بر می‌گیرد، بر چه کسانی واجب است، اموال به‌دست‌آمده از انفاق و زکات، کجا و چگونه هزینه می‌شود، اثرهای فردی و اجتماعی انفاق و زکات چیست و... - را به مردم آموزش داده است و از این‌راه، انگیزه مردم را برای این امور افزایش می‌دهد.

درواقع، قرآن کریم مردم را افرادی بالغ و صاحب‌خرد دانسته و در نظر دارد با شفاف‌سازی و آگاه‌کردن مردم، آنان را به مشارکت همگانی (انفاق و زکات) برانگیزاند. حال اگر این راهبرد درباره مالیات در کشور پیاده شده و دولت به‌گونه‌ای درست و به‌طور شفاف مردم را در جریان مصرف مالیات و اثرهای آن قرار دهد، بی‌گمان انگیزه مردم برای مالیات‌دادن بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثالی دیگر، قرآن به مردم آموزش می‌دهد که هنگام برخورد با سخنان لغو و بیهوده و شایعه‌ها، به‌هیچ‌وجه به آن توجه نکرده و تنها به‌نظر مدیر و ولیّ جامعه توجه کنید، همان‌گونه که می‌دانیم عصر پیش رو عصر اطلاعات و دنیای مجازی است و شبکه‌های اجتماعی از راه‌های گوناگونی، اخباری پوچ و بی‌پایه در اختیار مردم قرار می‌دهند. گاه این اخبار، سبب دل‌سردی مردم از حکومت شده و مشارکت همگانی را کاهش می‌دهد. حال اگر به سبک قرآن، مدیران از ابتدا به آموزش مردم پرداخته و به آنان آموزش دهند که با سخنان و اخبار لغو و بیهوده چطور برخورد کنند، بی‌گمان، انگیزه مردم برای مشارکت با حکومت بیشتر می‌شود. البته در اینجا سفارش بر اخبار و اطلاع‌رسانی پوچ و دروغین منتشرشده از سوی برخی از شبکه‌های اجتماعی است؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی در بسیاری موارد هم سبب آگاهی مردم شده و شفافیت را در جامعه افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثالی دیگر می‌توان آموزش شیوه تعامل مردم با یکدیگر را در قرآن بیان کرد. قرآن کریم به مردم آموزش می‌دهد که با ادب و نزاکت با یکدیگر تعامل داشته باشند و در امور یکدیگر تجسس نکنند. حال اگر این اصول تعاملی از ابتدا به همه مردم - از سطح مدارس - آموزش داده شود، بی‌گمان در جامعه شاهد تعامل بهتر مردم با یکدیگر و با حکومت خواهیم بود؛ تعاملی که اثربخش بوده و با تجسس متفاوت است.

ابزارهای انگیزشی بسته‌پی‌ریزی شده هم می‌تواند در راستای بهبود مشارکت همگانی

مورد استفاده قرار گیرد؛ برای نمونه، قرآن کریم برای افزایش انگیزه مشارکت همگانی در مردم، می‌کوشد به ترسیم مدینه فاضله‌ای که دستاورد تلاش و مشارکت مردم است بپردازد و از این راه، آنان را برای مشارکت همگانی تشویق کند. مدیران امور همگانی هم می‌توانند با ترسیم آینده مشارکت مردم - مانند آینده‌ای که با پرداخت مالیات در جامعه ایجاد می‌شود - سبب برانگیختن آنان به پرداخت مالیات شوند. البته باید تأکید کرد که این راهبرد، زمانی مؤثر است که مردم به سیستم حکومتی و مدیران اعتماد داشته باشند و ترسیم این آینده را وعده دروغین ندانند.

ایجاد انگیزه در مردم برای مشارکت همگانی از راه بیان احوال گذشتگان و عبرت‌گیری از آنها، یکی دیگر از راهبردهای قرآن کریم برای برانگیختن مردم به مشارکت همگانی است. در این راهبرد، قرآن کریم با بیان سرانجام خوب و بد گذشتگان - کسانی که مشارکت همگانی داشته‌اند و کسانی که بی‌تفاوت به جامعه بوده‌اند - در ایجاد انگیزه در مردم به مشارکت عمومی می‌کوشند. مدیران بخش همگانی، هم می‌توانند به صورت شفاف و به دور از بزرگ‌نمایی و سودجویی شخصی و جناحی از راه ایجاد بصیرت در مردم نسبت به سرانجام امت‌هایی که با تلاش، کوشش و مشارکت اثربخش، در رشد و پیشرفت جامعه کوشیده‌اند و امت‌هایی که گرد ناتوانی و بی‌تفاوتی در آنها ریخته شده بود، انگیزه لازم برای مشارکت همگانی را در مردم بهبود می‌بخشد.

یکی دیگر از ابزارهای ایجاد انگیزه در مردم، ترساندن از عذاب و بشارت دان به پاداش آخرت است که در کلام قرآن، بسیار به کار برده شده است و مردمی را که در امور همگانی مشارکت کرده و اندیشه سعادت هم‌نوع و جامعه خود هستند را به پاداش جاودانه آخرت بشارت داده است و افرادی را که با بی‌تفاوتی از کنار دستورهای اجتماعی - جهاد، زکات، انفاق و... می‌گذرند را با وعده عذاب آخرت، ترسانده است.

سرانجام، باید عنوان کرد که بسته ابزاری پیشنهاد شده در جامعه اسلامی که مردمی معتقد، معادباور و توحیدباور دارد، بسیار راحت‌تر و اثربخش‌تر خواهد بود؛ البته به شرطی که هم مردم و هم سیستم حکومتی تربیت اسلامی واقعی و اصیل داشته باشند.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی. تهران: نشر سمت.
 ۲. شفریتز، جی‌ام و پی بریک کریستوفر (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالت متحده امریکا. ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 ۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). الکافی، تهران: المكتبة الإسلامية.
 ۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۵. عبدالحسین زاده، محمد (۱۴۰۱). جعبه ابزار حکمرانی مشارکتی: ۱. شناسایی و طبقه‌بندی ابزارهای حکمرانی مشارکتی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
 ۶. لطیفی، میثم (۱۳۹۰). «روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر». اندیشه مدیریت راهبری. ش ۲. پاییز و زمستان. ص ۱-۴۳.
 7. Abraham, K. K. A (2019). *The Role and Activities of Policy Institutes for Participatory Governance in Ghana*. Ghana: University of Cape Coast, Cape Coast.
 8. Anderson. D., arazy. O., and Nov, O (2011). "Thechnology-Mediated citizen science participation: a motivational model". *Proceedings Of The AAAI International Conference On Weblogs and Social Media*. pp. 334-348.
 9. Denhart, Robert & Janet, denhart (2000). "The New Public Service: Serving Rather Than Steering". *Public Administratin Review*. 60 (6). pp.1-54
 10. Isaksen, A (2009). "Innovation Dynamics of Global

- Competitive Regional Clusters: The Case of the Norwegian Centres of Expertise". *Regional Studies*. 43, pp.1-18.
11. Jeppesen, L. B., & Lakhani, K. R (2010). "Marginality and problem-solving effectiveness in broadcast". *Search. Organization Science*, 21(5). pp. 1016_1033.
 12. Fischer, F. (2012). Participatory governance: From theory to practice. In *The Oxford handbook of governance*.
 13. Kostakopoulou, Dora. (2008). *The Future Governance of Citizenship*. Cambridge: Cambridge University Press. ProQuest Ebook Centra. pp.52-65.
 14. Osborne, S. P (2006). "The New Public Governance?". *Public Management Review*. 8 (3). pp.1-16
 15. Rosser, chirstina (2010). "Woodrow Wilson's Administrative Thought and German Political Theory". *public administration review*.70 (4). pp.1-15
 16. Sarkar Dilip Kumar (2006). "Ensuring participatory governance in the University Examination and evaluation System". *Bashkortostan Pedagogical Journal*. 24 (3). pp82-91.
 17. Speer.Johanna (2012). *Participatory Governance Reform: A Good Straregy for Increasing Government Responsiveness and Improving Public Services*. Germany: Federal ministry for economic cooperation and development.
 18. Wiesel, Fredrika, & Sven, Modell, (2014)," From New Public Management to New Public Governance? Hybridization and Implications for Public Sector Consumerism". *Financial Accountability & Management*. Vol 30 (2), pp. 176-205.